



کتاب «شب ژنرال‌ها: ارتشبد قرهباغی» نوشته «خسرو معتمد»، تاریخنگار معاصر است. نویسنده در این کتاب به شرح زندگی و اقدامات سیاسی و نظامی ارتشبد عباس قرهباغی و حوادث مهم دوره یازمی رژیم پهلوی با تأکید بر شناخت نقش ارتشبد قرهباغی در آن وقایع می‌پردازد. کتاب حاضر در ۱۰ بخش تدوین شده‌ است. «یکی از تیمساران»، «قرهباغی از دیدرسن نظام تبریز تا ارتشبدی»، «تش زیر خاکستر»، «آغازی در پایان»، «به سوی انقلاب»، «دینامیت رگس»، «تیمسار وزیر»، «دولت نظامی»، «طرح کروتاز» و «فروپاشی»، عنوان بخش‌های کتاب است. درباره قرهباغی؛ بعد از هوبدا و کلیننه دروغ و آمار مجعول او؛ مرگ دکتر شریعتی و پیامدهای آن؛ شهریور ۵۶ سرآغاز ناآرامی‌ها، پیامدهای فوت فرزند امام خمینی(ره) در ایران، علل و عوامل باززادنده ارتش ایران در دوران شاه؛ چرا سینما رگس آتش زده شده، قرهباغی ناگهان وزیر شده است. کتاب شب ژنرال‌ها: ارتشبد (جمعه‌خونین)، آمریکایی‌ها و شاه؛ تلاش‌های دکتر امینی برای حفظ سلطنت شاه؛ سقوط کابینه نظامی ازاری؛ هایزر در تهران؛ کنفرانس گوادلوپ؛ سقوط رژیم شاه و… عنوان برخی از مطالبی است که در این کتاب آمده‌ است. در پایان کتاب نیز عکس‌هایی از شخصیت‌ها و رویدادهای دوران انقلاب ارائه شده است. کتاب شب ژنرال‌ها: ارتشبد قرهباغی از سوی انتشارات «علمی» منتشر شده و در اختیار مخاطبان قرار گرفته است. کتاب «شب ژنرال‌ها» فصلی را به جلسه شورای امنیت کشور که روز ۱۶ شهریور ۵۷ تشکیل شد و تا ساعات شب ادامه یافت و در آن تصمیم گرفته شد که از سپهبدم فردا در تهران و ۱۱ نفر دیگر، سربازان ارتش، اوجا شاد و با این تصمیم فاجعه ۱۷ شهریور مرسوم به «جمعه‌سیاه» به‌وجود آمد اختصاص داده است. این جلسه در کتاب «شب ژنرال‌ها» اینگونه توصیف شده است: «هر این جلسه که گزارش مذاکرات و پیشنهادهای و تصمیمات متخذه تلفنی در میان جلسه به اطلاع شاه رسید و منجر به صدور اعلامیه برقراری حکومت نظامی شد، افراد صاحب مقام شرکت داشتند(ابتدا اعضای شورایاعالی امنیت ملی و سپس هیأت وزیران در جلسه حضور یافتند).

از هیأت وزیران؛ وزیر مشاور در امور اجرایی؛ دکتر منوچهر آزمون، وزیر دادگستری؛ دکتر محمد باهری، وزیر اطلاعات و جهانگردی؛دکتر محمدعلی‌شیرازی، وزیر و امور خارجه؛ آموزش عالی؛ دکتر هوشنگ نپولندی، وزیر امور علوم؛ امیر خسرو افشار، وزیر پست و تلگراف و تلفن؛ دکتر کریم معتمدی، وزیر آموزش و پرورش؛ دکتر منوچهر گنجی، وزیر کشور؛ ارتشبد عباس قرهباغی، وزیر کار و امور اجتماعی؛ دکتر کاظم ودیعی، وزیر مسکن و شهرسازی؛ پرویز اونی، وزیر جنگ؛ ارتشبد رضا عظیمی، وزیر نیرو؛ جهانگیر مهد میهن، وزیر دارایی؛ محمد یگانه، وزیر بهداری؛ دکتر نصرالله مقتدر مذهبی، وزیر بازرگانی؛ مهندس محمدرضا ویشکایی، وزیر صنایع و معادن؛ مهندس محمدرضا امین و وزیر فرهنگ و هنر؛ محسن فروغی.

اعضای شورای امنیت که در جلسه شرکت کرده بودند: ارتشبد علام‌رضا اژه‌اری رئیس ستاد ارتش، سپهبد ناصر مقدم رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور، سپهبد صمدیان‌پور رئیس شهرداری کل کشور، سپهبد احمدعلی محققی فرمانده ژاندارمری کل کشور».

بنا به نوشته ارتشبد عباس قرهباغی در گذشته این جلسه کمتر بر گزار شده و یکی – دو بار هم که برگزار شده بود مربوط به مسائل عادی بود. قرهباغی می‌نویسد: «روز شانزدهم شهریور حدود ساعت شش و نیم بعدازظهر بود که تلفن شد و دعوت کردند برای تشکیل شورای امنیت ملی، رقتیم به آنجا. شورای امنیت ملی تشکیل می‌شد از نخست‌توزیر، وزیر امور خارجه، وزیر کشور، رئیس ستاد بزرگ، رئیس سازمان امنیت، رئیس ژاندارمری و رئیس شهرداری کل کشور، رئیس ستاد همراه خودش رئیس اداره دوم و رئیس اداره سوم را هم آورده بود و این اولین باری بود که شورای امنیت ملی به این ترتیب کامل تشکیل می‌شد». در این جلسه ابتدا فقط اعضای شورایاعالی امنیت ملی حضور یافتند. سپهبد مقدم ملی گزارشی از راهپیمایی‌ها اطلاع داد فردا راهپیمایی‌ها که قرار است انجام شود به بلوا و آشوب بیان شده و امنیت کشور را به خطر خواهد افکند. او افزود جریان را به عرض شاه رسانده و شاه دستور داد جلسه شورای امنیت ملی تشکیل و در این باره مذاکره شود». رئیس ستاد ارتش (ارتشبد اژه‌اری) نیز تأکید کرد که اداره دوم (داره اطلاعات و ضد اطلاعات ارتش) چنین اطلاعاتی به دست آورده است. سپهبد ناصرقلی برومند جزی نیز اظهارات سپهبد مقدم را تأیید کرد. به قرهباغی به عنوان وزیر کشور هیچ اطلاعی نرسیده بود، زیرا تا آن موقع همچنان معمول بود که رئیس



شهرداری و رئیس ژاندارمری گزارش‌های خود را مستقیما به عرض اعلیحضرت می‌رسانند و به وزیر کشور گزارش نمی‌دادند. پس از اینکه این مسائل مطرح شد برای اعلام حکومت نظامی حضور و موافقت هیأت دولت لازم بود. نخست‌وزیر خبیر کرد و بقیه وزیران آمدند و حدود ساعت ۹ و ۹ و نیم شب که ۱۶ به ۱۷ شهریور جلسه مشترک هیأت وزیران و شورایاعالی امنیت ملی برگزار شد. در این جلسه که نتیجه آن به اعلام حکومت نظامی در ۱۲ شهر از بامداد روز بعد منتهی شد، افرادی با اندیشه‌ها و بینش و برداشت‌های مختلف حضور یافته بودند که تنها وجه اشتراک آنها شرکت داوطلبانه یا اجباری یا اضطراری یا از روی ملاحظه‌شان در کابینه ارتش ملی بود. جمع این عناصر که هر یک دارای راه و روش و ایدئولوژی متفاوتی بودند در آن گرهمایی نشانه شکست زودرس جلسه بود، زیرا از این عده هر کدام نظرات خاصی داشته، بعضی معتقد به شدت عمل، بعضی معتقد به اعتدال و خونسردی و نرمش، بعضی چشم و گوش به اشاره شاه داشتند که هر آنچه او اراده کند اجرا کنند (گروه نظامیان) و بعضی افراد متخصص در علوم و رشته‌های دانشگاهی بوده (مانند وزیران بهداری و صنایع و معادن و نیرو و فرهنگ و هنر) و اساساً از دنیای سیاست و تدابیر مقصدی در اینگونه موارد به کلی بی‌خبر بودند. دکتر منوچهر آزمون، دکتر هوشنگ نپولندی و دکتر منوچهر گنجی در گذشته دارای عقاید چپی بوده و طبعاً نمی‌توانستند زیاد روی عامل قوه قهریه تأکید داشته باشند اما برای رفع بدگمانی شاه ناچار بودند نگاهه تندترو و دست‌راستی‌تر از نظامیان جلوه کنند. دکتر محمدرضا عاملی‌تهرانی از اعضای تراز اول حزب پان‌ایرانست، پزشک متخصص بیپوشی‌ها از جمله کسانی بود که در جریان روز اول بهمن ۴۰ و عصر همان روز یک جلسه سخنرانی در باشگاه حزب پان‌ایرانست در میدان بهارستان، ساختمان فوقانی شیرینی‌فروشی نبش غربی میدان رو به روی مجلس شورای ملی، تندترین سخنان را علیه اقدامات پلیسی و نظامی‌ای ایراد داشته بود. وی مردی ملایم‌الطبع، منطقی، مپهن‌دوست و امیل‌آبندی که متأسفانه تحت تأثیر مواعید شاه و تشکیل دولت استونی ملی، بیپهوه وارد کابینه شریف‌امامی شده و متأسفانه جان خود را در این باره از دست داد. وی از مخالفان کابینه هوبدا و بلند ۱۲ ساله بوده و بارها در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سه‌سال‌های گذشته به فساد و کزروی حکومت اشاره کرده بود. امیر خسرو افشار وزیر و دولتمردی درباری و عضو باندهای همیشگی حاکم بود. دکتر کریم معتمدی، آونی و مهدمی‌نا، مذهبی، ویشکایی، مهندس امین و فروغی مردان غیرسیاسی و متخصص در حرفه‌های خاص خود بودند و نقش تماشاچی را در این مذاکرات داشتند. ارتشبد عباس قرهباغی وزیر جنگ مروعوب و مجذوب شاه و امیری کم‌حرف، بی‌خاصیت، فاقد نظرات و حسی جرات‌ا برآز نظرات خود بود. سپهبد ناصر مقدم تا حدودی سیاسی و معتقد به روش‌های ملایم و معتدل بود. اژه‌اری امیری ترسو، خشتی، فاقد ارائه نظرات و ابتکار عمل و در حکم منشی و رئیس دفتر مطیع شاه بود و مدتی بعد بی‌ایقیتی و دست‌یچاگی خود را در تمام امور نتان داد. تیمساران محققی و صمدیان‌پور فرمانده ژاندارمری و رئیس شهرداری کل کشور که حالا هر دو سازمان به لقب شاهنشاهی مفتخر() شده بودند، نظامیان مطیع، فاقد ابتکار عمل و تجارب لازم بودند. مذاکرات با گزارش رئیس شهرداری کل کشور در مورد تظاهرات انجام شده در روز ۱۶ شهریور نیز وقایع روز عید فطر در تپه‌های قیطریه به‌آغاز شد. رئیس شهرداری عمین اشاره به تشکیل پلیسی‌سابقه جمعیت تظاهرکننده، تقسیم شدن آنها به شاخه‌های مختلف، ناکارآمد بودن اقدامات پلیس در زمینه پخش آب از اشک‌آر، اجتناب نفرات پلیس از استعمال اسلحه، دادن شعارهای تند از سوی جمعیت علیه شاه و اجتماع دسته‌جات ۳۰۰ تا ۲۰۰۰ نفری در مناطق مختلف و حرکت دسته‌های مرد و زن چادری جداگانه تلویحا از ناتوانی نیروی پلیس خبر داد. راهپیمایی روز ۱۶ شهریور که راهپیمایان از سراسر شهر حرکت کرده به میدان شهیاد رسیدند و نام آن را به میدان آزادی تغییر دادند؛ باعث نگرانی شدید رئیس شهرداری کل کشور شده بود. در قم، خراب‌آباد، خرمشهر و همدان تعطیلی برگزار بوده اما اخبار تهدیدآمیزی واصل نشده بود. پس از رئیس شهرداری کل کشور تیمسار اژه‌اری رئیس ستاد ارتش عبور هزاران نفر از مقابل ستاد ارتش را که فقط عبور آنها ۴۵ دقیقه طول کشید و گلباران سربازان که نزدیک بود تحت تأثیر شعار‌های اسلامی تظاهرکنندگان قرار گیرند، عنوان کرد. اژه‌اری گفت به سربازان نگهبان ستاد دستور داده بود اگر تظاهرکنندگان خواستند وارد محوطه ستاد شوند تیراندازی کنند. البته یک سرباز تیراندازی کرده‌اما واقعه‌ای

۱۸ دی ۵۶ گذشته تاکنون براساس گزارش‌های ۱۶۵ نقطه کشور که شهرداری در آنها شعبه داشت، گفت: حتی در مناطق سنی‌نشین مانند میروان و بانه تشنج وجود داشته است. وی به ماجرای مرگ ناشی از تصادف یکی از روحانیون اشاره کرد که برپونده‌های سونی داشته ولی ۳۲ مجلس ختم در تهران برای او گرفته شد. رئیس شهرداری به برخورد‌های مأموران پلیس با تظاهرکنندگان در جریان روزها و شب‌های ماه رمضان اشاره کرد که ۱۳۰ تا ۱۴۰ مأمور مضروب و مجروح و مصدوم شده بودند و ۲ تن از آنها که به مغزشان آجر زده بودند هنوز در حال کما هستند. سپهبد صمدیان‌پور تظاهرات دانم‌دار عید فطر و سازماندهی آن را که راهپیمایان از شرق و غرب و جنوب و شمال تهران حرکت کرده و در مرکز شهر به هم متصل شده بودند و اینکه پلیس سعی داشت با مردم طرف نشود و خونریزی نکنند مورد تحلیل قرار داد و پس از تهران از شهرهای استان فارس، به خصوص شیراز، سپس اصفهان و آنگاه تبریز و شهرداری استان خراسان به عنوان نقاط مستشع یاد کرد. سپهبد صمدیان‌پور افزود صبح روز گذشته قرارگاه گارد شهرداری در خیابان سرباز جنب پادگان عشرت‌آباد مورد حمله قرار گرفت و آرم‌ها و پرچم‌ها و اعلامیه‌هایی با داس و چکش چریک‌های فدایی خلق در محل به جا ماند. ارتشبد اژه‌اری در ادامه جلسه، شهرهای تهران، مشهد، تبریز، شیراز، کازرون، چهرم و اصفهان را شهرداری‌ها که باید حکومت نظامی در آنها برقرار شود دانست. او به جا ننگه اشاره کرد؛ یکی اینکه در نقاط چون چهرم و کازرون ممکن است عشایر سلاح‌های زیر خاک مانده را بیرون آورند، دوم انقلابیون یک مشت بچه هستند. اژه‌اری تأکید کرد نظامیان وظیفه نیز که در جنگ‌ها شرکت می‌کنند اغلب سربازان ۲۰ ساله هستند. وزیر دادگستری نگران دانشگاه‌ها بود که مقررات حکومت نظامی درباره جلوسگری از اجتماعات در آنجاها کاربرد نخواهد داشت. وزیر امور خارجه گفت نباید توجهی به اخبار روز و گزارش‌های نامساعد، رسانه‌های خارجی داشت زیرا حاکمیت و استقلال کشور در خطر است. وزیر علوم و محدودیت‌های افراد آن که نباید تیراندازی کنند یا آدم بکشد مطالبی ایراد داشت. او خواهان آن شد که اگر قرار است نظامیان وارد میدان شوند و از تظاهرات جلوگیری کنند دولت باید رسماً حکومت نظامی اعلام کند و دست ارتش را باز بنگارد. اژه‌اری به طور غیرمستقیم می‌خواست بگوید سیاست ملایمت دولت با روش حکومت نظامی که قصد دارد هر کس که نظم را به هم زد بگیرد و مجازات کند، فراق دارد و باید دولت به صراحت بگوید که می‌خواهد. دکتر آزمون، وزیر مشاور در امور اجرایی پس از بر زبان آوردن این جمله که «اگر اوضاع عوض شود اولین کاری که بکنند(انقلابیون) و ما را گیر بیاورند تیرباران‌مان می‌کنند و من اولین کسی هستم که تیربارنم می‌کنند» پیشنهاد برقراری حکومت نظامی کرد. در بحث درباره حکومت نظامی، مدت آن را جلسه را به خود اختصاص داد، سپس به تدوین متن اطلاعیه برگزار می‌شد. ارتشبد اژه‌اری با ذکر این مسأله، فاقد نظرات و حسی جرات‌ا برآز نظرات خود بود. سپهبد ناصر مقدم تا حدودی سیاسی و معتقد به روش‌های ملایم و معتدل بود. اژه‌اری امیری ترسو، خشتی، فاقد ارائه نظرات و ابتکار عمل و در حکم منشی و رئیس دفتر مطیع شاه بود و مدتی بعد بی‌ایقیتی و دست‌یچاگی خود را در تمام امور نتان داد. تیمساران محققی و صمدیان‌پور فرمانده ژاندارمری و رئیس شهرداری کل کشور که حالا هر دو سازمان به لقب شاهنشاهی مفتخر() شده بودند، نظامیان مطیع، فاقد ابتکار عمل و تجارب لازم بودند. مذاکرات با گزارش رئیس شهرداری کل کشور در مورد تظاهرات انجام شده در روز ۱۶ شهریور نیز وقایع روز عید فطر در تپه‌های قیطریه به‌آغاز شد. رئیس شهرداری عمین اشاره به تشکیل پلیسی‌سابقه جمعیت تظاهرکننده، تقسیم شدن آنها به شاخه‌های مختلف، ناکارآمد بودن اقدامات پلیس در زمینه پخش آب از اشک‌آر، اجتناب نفرات پلیس از استعمال اسلحه، دادن شعارهای تند از سوی جمعیت علیه شاه و اجتماع دسته‌جات ۳۰۰ تا ۲۰۰۰ نفری در مناطق مختلف و حرکت دسته‌های مرد و زن چادری جداگانه تلویحا از ناتوانی نیروی پلیس خبر داد. راهپیمایی روز ۱۶ شهریور که راهپیمایان از سراسر شهر حرکت کرده به میدان شهیاد رسیدند و نام آن را به میدان آزادی تغییر دادند؛ باعث نگرانی شدید رئیس شهرداری کل کشور شده بود. در قم، خراب‌آباد، خرمشهر و همدان تعطیلی برگزار بوده اما اخبار تهدیدآمیزی واصل نشده بود. پس از رئیس شهرداری کل کشور تیمسار اژه‌اری رئیس ستاد ارتش عبور هزاران نفر از مقابل ستاد ارتش را که فقط عبور آنها ۴۵ دقیقه طول کشید و گلباران سربازان که نزدیک بود تحت تأثیر شعار‌های اسلامی تظاهرکنندگان قرار گیرند، عنوان کرد. اژه‌اری گفت به سربازان نگهبان ستاد دستور داده بود اگر تظاهرکنندگان خواستند وارد محوطه ستاد شوند تیراندازی کنند. البته یک سرباز تیراندازی کرده‌اما واقعه‌ای



جلسه‌ای که «جمعه خونین» شهریور ۵۷ را به وجود آورد

شب ژنرال‌ها

روز سیاه مردم

کرد. رئیس سلاواک گله کرد که مختلسان و دزدان زبر چتر حمایت هستند و مقصران پرورنده احتکار شیشه و آهن و چلوار و واردات میوه بدون پیگرد می‌مانند و در حالی که سلاواک مجرمان سیاسی را دستگیر می‌کند او پیشنهاد کرد اهل فساد را دادگستری تعقیب و بازداشت و محاکمه کند. وزیر دادگستری در مورد خلافکاران از جمله منتهمان پرونده قند و شکر، معاونان وزیر بازرگانی وقت که ۳ میلیارد تومان ولخرجی کرده و ۳۰۰ میلیون تومان تلف کرده بودند سخن راند. وزیر بهداری خواهان اتخاذ روش‌های انقلابی و سرعت عمل و دادگاه‌های فوق‌العاده شده تا زمانبر نباشد و مردم مایوس نشوند. وزیر دادگستری ۶ ماه فرصت خواست تا زندها را بگیرد و مجازات کند اما خواستار اختیارات بیشتری برای دادگستری شد. وزیر دارایی از دزدی‌های شخصی به نام ۵۰۰ پرونده متشکله در بازرسی شاهنشاهی که تسلیم فوق‌العاده شده تا زمانبر نباشد و مردم مایوس نشوند. وزیر دادگستری ۶ ماه فرصت خواست تا زندها را بگیرد و مجازات کند اما خواستار اختیارات بیشتری برای دادگستری شد. وزیر دارایی از دزدی‌های شخصی به نام ۵۰۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون وام به بانک‌ها بهکار است اما بیش از ۲ میلیارد ثروت ندارد سخن گفت. ارتشبد قرهباغی در اینجا داخل صحت هژبر شد و درباره ۱۰۰ پرونده متشکله در بازرسی شاهنشاهی که تسلیم دادگستری شده اما پیگیری نکرده‌اند به نقل از ارتشبد فردوست مطالبی بیان داشت. او اعلام آمادگی بازرسی شاهنشاهی را مبنی بر آماده کسردن پرونده و تخلفات هر متهم حکاثر کرد و ۷ تا ۱۰ روز بیان داشت و خواهان دریافت اسامی خلافکاران شد. شیخ بهایی، یاسینی، سربازان‌ها، خداداد و علی رضایی ۵ نام اول فهرستی بودند که وزیر دادگستری به وزیر کشور داد. مهندس شریف‌امامی که دقایقی از جلسه خارج شده بود بازگشت و خبیر از مذاکره تلفنی خود با شاه و تصویب برقراری حکومت نظامی داد. قرار شد یک شماره ویژه روزنامه رستاخیز که وزیران تصور می‌کردند همچنان در اختیار دولت است نشر یافته و اعلامیه تدوین شده به وسیله دکتر آزمون در آن چاپ شود. در مورد کیهان و اطلاعات نخست‌توزیر هر دو را مغرب و خطر کیهان را بیشتر از اطلاعات دانست و پیش‌بینی کرد هر دو توقیف شوند وزیر دادگستری خواهان آن شد که بازرسی شاهنشاهی اسامی خلافکاران را نزد او بفرستد تا ترتیب پیگرد آنان را بدهد. نخست‌وزیر() که خود در انظار عمومی به عنوان سردسته چپاولگران و خلافکاران شناخته شده بود) خواهان رسیدگی سریع به جرائم و اعلام آن به عموم و خودداری از پذیرفتن توصیه‌ها و سفارش‌ها شد تا مملکت از وضعیتی که دارد و نتیجه فسادهای متعدد است نجات یابد. او خواهان آن شد که فرهاد مسعودی و دکتر مصباح‌زاده صاحبان اطلاعات و کیهان را احضار کنند تا وی با ایشان صحبت کند. نخست‌وزیر در مورد اعلام اسامی خلافکاران خواهان تأمل بیشتر و جلوگیری از متهم کردن اشخاص شد. بقیه دقایق جلسه و بحث درباره نحوه اعلام حکومت نظامی، وضعیت مسافران هوایمها و قتل‌ها(که خود برساندن آنها به هتل‌ها یا خانه‌های‌شان در ساعات شبانه برقراری حکومت نظامی کنند تا وی با ایشان صحبت کند. ترتیب نعیمی‌راد که برتکب متخلفان در بازرسی شاهنشاهی نگهداری می‌شود، وزیران سپس به گفت‌وگو درباره دزدان بزرگ و مختلسانی مانند سرلشکر هادی عطایی و سرتیب نعیمی‌راد که برتکب ارتش‌های بزرگ شده بودند و زیان تبلیغاتی آزاد کرد. آنها از زندان، برداختند. وزیر بهداری نالید که بانک رفاه کارگران از بول کارگران و تأمین اجتماعی ۲۵۰ میلیون تومان به قرض به هژبر زندانی داده است و او به جای آن از شرکت‌های مختلف خود سفته به عنوان وثیقه گذاشته است. وزیر دادگستری گفت هژبر زندانی که آن روزها زندانی شده بود در زندان زندگی برتجمل خاصی دارد؛ آیا می‌دانید در زندان چگونه زندگی می‌کند؟

وزیر بهداری از اعمال نفوذ به نفع اشخاصی چون هژبر زندانی که باعث نارضایی و خشم مردم می‌شود گله‌ها کرد. وزیر دادگستری تمام صاحبان مقامات مهم در ۱۵ سال گذشته را متهم خواند و خواهان منوع الخروج شدن آنها شد. او گفت کمیسیون به نام اعتماد ملی باید تشکیل شود و پرونده تمام مقام‌های ۱۵ سال گذشته را بررسی کند تا در صورت دیدن خلاف، دستور پیگرد آنها را بدهد. وزیر بهداری سابقه بند «ج» و بند «ر» را تجدید کرد و رئیس اوقاف نسبت به این کمیسیون هم اعتمادی نخواهند

پنجشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۹۶

